

## مطالعه تطبیقی حضور اجتماعی زن، چالش‌ها و راهکارها

ریحانه حقانی<sup>۱</sup>

### چکیده

زن به عنوان رکنی از ارکان خانواده، نقش مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری و سلامت جامعه دارد. این نقش به شکل غیر مستقیم در قالب تربیت اعضای جامعه و در شکل مستقیم در قالب حضور اجتماعی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد. این مقاله با بررسی آیه مباهله، بیعت زنان با رسول خدا ﷺ، حضور دختران شعیب و حضرت مریم در جمع مردم و با برشمردن اصول بنیادین همچون کرامت ذاتی زن، تقدم ارزش‌های معنوی بر منافع مادی و لزوم توجه به روابط صحیح بین زن و مرد، درصدد اثبات جواز حضور اجتماعی زن از دیدگاه قرآن کریم است. در نقطه مقابل تلاش دارد با بهره‌گیری از دیدگاه مفسران عامه و خاصه و روایات اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر صحیحی از آیه تبرّج ارائه کند که برخی آن را مانع حضور اجتماعی زن دانسته‌اند. بدون شک، مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی با رعایت اصول بنیادین آثار مثبتی دارد. ملاک حضور و ارتقای اجتماعی، بهره‌مندی از اخلاق الهی، اندیشمند بودن و استقلال فکری است، نه بهره‌مندی صرف از مادیات و داشتن حسن ظاهر و وابستگی‌های نامعقول دنیوی. بانوان امکان مشارکت در جامعه را به صورت مستقیم و غیر مستقیم دارا هستند و زن مسلمان با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، اولین وظیفه خود را تربیت فرزندان دانسته و در گام بعدی با حفظ شرایط و عدم اختلاط با مردان، مسئولیت‌های مهم جامعه را به عهده می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: زن، مشارکت اجتماعی، خانواده، اشتغال، مطالعه تطبیقی

## تبیین مسئله

زنان در خانواده نقش‌های مهمی برعهده دارند؛ از جمله تربیت فرزندان آگاه و عالم، فراهم کردن محیط آرام و ایجاد آرامش در خانواده. علاوه بر این، فعالیت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و غیره و نیز حضورشان در برنامه‌های متعدد موجب شده است که باری از مسئولیت‌های جامعه را بدوش بکشند و پای به پای مردان در پیشبرد اهداف جامعه نقش مهمی داشته باشند. درباره پذیرش یا عدم پذیرش مشارکت اجتماعی زنان در جامعه، دیدگاه‌های موافق و مخالفی وجود دارد که هر کدام برگرفته از مبانی غربی یا اسلامی است؛ اما با این حال، در جهت‌گیری‌ها باید به جنسیت زن و مرد و اقتضائات تکوینی و طبیعی‌شان توجه شود.

به صورت کلی زنان دارای نقش دو گانه‌ای هستند؛ به این معنا که از یک سو می‌خواهند نقش خود را در خانه و خانواده به نحو احسن ایفا کنند و از سوی دیگر، تمایل دارند تا شخصیت خود را به حد کمال پرورش دهند و در صحنه زندگی اقتصادی و اجتماعی، نقش عمده‌ای داشته باشند. برای اینکه نقش دوگانه زنان بتواند در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور مؤثر باشد، لازم است تعادل منطقی میان این دو وظیفه پدیدآید.

بنابراین، هر چند تنها مصداق مشارکت اجتماعی بانوان، اشتغال نیست؛ اما به دلیل آنکه بروز اشتغال است، اهمیت دارد. تحقیق درباره تأثیر اشتغال زن بر خانواده از آن جهت مهم است که نکات مثبت و منفی اشتغال زنان در خانواده را روشن می‌کند و مشکلات و عوارض ناشی از این امور را آشکار می‌سازد. در واقع، باید بررسی کرد که چگونه می‌توان بین پذیرش مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی زنان، رابطه‌ای قابل قبول و انسانی ایجاد کرد. روشن است که ایجاد شرایط مناسب در باب اشتغال زنان تنها هنگامی امکان‌پذیر است که شرایط متناسب با این امر پذیرفته و تبلیغ شود و حدود و ثغور قرآنی آن معلوم گردد. قرآن کریم در عین اینکه ملاک برابری انسان‌ها را تقوا می‌داند، الگوهای متعددی از زنان اسوه و پرهیزگار، مانند «آسیه» همسر فرعون و «مریم» مادر عیسی و زنان فعال در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، مانند حضرت خدیجه رضی الله عنها، حضرت فاطمه زهرا رضی الله عنها، حضرت زینب رضی الله عنها، سمیه، دختران شعیب و غیره معرفی می‌کند.

پژوهش حاضر درصدد بررسی حضور اجتماعی زنان از نگاه قرآن و مفسران است. در این راستا،

پاسخ به این پرسش‌ها مهم به نظر می‌رسد:

با توجه به دگرگونی‌های بنیادی در ساخت شغلی جامعه و نظام ارزش‌های سنتی و نیز توزیع نقش‌ها و پایگاه‌های زن و مرد، این حضور بر روابط زن و شوهر، چه تأثیری داشته است؟ آیا این تأثیر در جهت ثبات خانواده بوده است و یا در جهت تضعیف آن؟ نگاه و دیدگاه اسلام در این موضوع چیست؟ مفسران شیعی و سنی ذیل آیات چه نظرانی را بیان نموده‌اند؟ مصادیق مشارکت اجتماعی چیست و الگوی صحیح مشارکت در زمینه حضور زن در اجتماع چیست؟

در انجام این پژوهش، سعی می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده شود و نتایج آن، بررسی و تحلیل شود. البته بررسی ابعاد فقهی و ادله آن، موضوع محوری این تحقیق نیست و تبیینی دیگر را می‌طلبد.

## ۱. تبیین واژگان

### ۱-۱. اجتماع

این ماده در لغت از سه حرف «ج م ع» تشکیل شده است و به معنای نزدیک نمودن و پیوستن بعضی از چیزی به بعضی چیز دیگر می‌باشد و مشتقات آن، ۱۲۹ مرتبه در ۴۴ سوره از قرآن آمده است. فراهیدی درباره این کلمه می‌گوید: «جمع مصدر جمعت الشيء است و الجموع اسمی برای جماعتی از مردم است. جمع، یعنی جایی که مردم جمع می‌شوند و آن هم چنین اسمی برای مردم است. الجماعه: یعنی تعداد و عدد هر چیز و کثرت آن» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳۹). راغب می‌گوید: «جمع به معنای پیوسته شدن یک چیز به وسیله گرد آمدن اجزای آن است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۰۱). مصطفوی با عبارتی دیگر بیان می‌کند: «جمع یک ریشه است که دلالت بر به هم پیوستن و گرد آمدن چیزی دارد؛ لذا گفته می‌شود آن چیز را جمع کردم و برای زنی که فوت کرده، در حالی که فرزند در شکمش باشد، هم به کار می‌رود. جمع به معنای مگه هم کاربرد دارد؛ زیرا محل اجتماع مردم است و نیز روز جمعه چون شاهد اجتماع مردم است، آن را به این نام خوانده‌اند» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۰۷).

### ۱-۲. مشارکت اجتماعی

آلن بیرو، مشارکت اجتماعی را چنین تعریف کرده است: «مشارکت اجتماعی، به نوعی به حضور

در همه ابعاد زندگی اجتماعی امروز اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر، مشارکت به معنای دخالت همه جانبه مردم در فرایندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که زندگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد». مشارکت اجتماعی، مفهومی است که مخصوصاً در جامعه‌شناسی کارکردی و گرایش‌های موجود در آن استفاده شده است (آلن بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷).

## ۲. پیشینه

اشتغال مادران و تأثیر آن بر خانواده، مسئله‌ای است که به دلیل حضور زیادی از مادران دارای فرزند در دنیای کار، اهمیت روزافزونی یافته است. بر اساس بیشتر تحقیقات این حوزه، می‌توان گفت که اشتغال زنان در روابط زناشویی آنان تأثیر چشمگیری دارد و سبب بروز تحولاتی در روابط آنان با فرزندان شان می‌شود که نیازمند بررسی ارزشی و تحقیق در این باره است. ولی متأسفانه پژوهش‌های در این باره از حد تألیف چند کتاب درباره حقوق زن یا ارائه چند مقاله در کنفرانس‌ها، سمینارهای ادواری و مجلات، فراتر نرفته است و هیچ یک از این سمینارها و نگارش‌ها نیز پاسخ قطعی‌ای به این معضل نداده و به گونه‌ای جامع به آن نپرداخته‌اند.

برخی از مطالعاتی که در این باره صورت گرفته، عبارتند از:

۱. کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تألیف باقر ساروخانی در بخش هفتم آن، با عنوان «اشتغال زن و خانواده»، عوامل مؤثر در حیات خانواده بررسی شده است. نویسنده اشتغال زن را از جمله مهم‌ترین این عوامل تشخیص داده و نتیجه گرفته است که به دلیل دستیابی زنان به منابع اقتصادی ناشی از کار در خارج از خانه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، ساخت چند صدساله خانواده دگرگون شده است. به زعم محقق در بیشتر جوامع صنعتی، با تناوب اشتغال زنان در بازار کار رو به رو هستیم که خروج و جذب مجدد آنان به بازار کار از خصوصیات بارز آن است. عوامل این تناوب، سن زن و تشکیل خانواده و تعداد فرزندان است.

۲. کتاب جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کردار خانواده در دوران معاصر، اثر شهلا اعزازی که اشتغال زن را ضرورتی اجتماعی می‌داند که هیچ تعارضی با نقش مادری ندارد؛ زیرا

مشکلاتی که زن، در مقام شاعل به عنوان خانه‌دار، با آن‌ها مواجه است و به زن بودن او مربوط است، نه به نوع فعالیت او.

۳. کتاب جامعه‌شناسی اشتغال زنان، اثر خدیجه سفیری که به بررسی زمینه‌های نظری و تجربی مسئله زن و اشتغال پرداخته است. به نظر نویسنده، زنان نسبت به مردان از اوقات فراغت کمتری برخوردارند و به محض ختم کار در خارج از خانه، باید خود را به منزل برسانند تا به مراقبت از فرزندان و خانه‌داری بپردازند.

۴. کتاب کاوشی نو در مسئله حضور اجتماعی زنان، نوشته سیدمهدی نریمانی زمان آبادی است. نویسنده در دو فصل و با محوریت بررسی فقهی و نظر گرفتن اشتراط جنسیت در پذیرش مسئولیت‌های ولایی، اجرایی و قضایی به این نتیجه رسیده است که بانوان می‌توانند بدون هیچ منعی از لحاظ فقهی در همه امور اجرایی، مانند ریاست جمهوری و در امور ولایی، مانند قضاوت و فتوا حضور پیدا کنند. به نظر وی، هیچ یک از ادله اقامه شده برای حضور نیافتن بانوان در این پست‌ها قانع‌کننده نیست و منابع عقلی و نقلی متعددی بر حضور زنان در این عرصه‌ها صحه می‌گذارد.

۵. کتاب حضور زن در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی نوشته احمد طاهری نیا که در سه بخش به بررسی اصول بنیادین، ارتباط زن و مرد در جامعه و فعالیت‌های اقتصادی زنان پرداخته است. وی معتقد است که اشکالی برای حضور زن در اجتماع وجود ندارد؛ ولی باید در چارچوب ضوابط این امر شکل بگیرد.

۶. کتاب المرأة فی القرآن و السنة، آیات و روایات مربوط به زنان را جمع‌آوری کرده است. هدف از نگارش این کتاب با توجه به دور شدن زن از وظایف اصلی خود، ارائه نگاه اسلام در این موضوع بوده است. در همین راستا، در فصل اول، احکام زن در قرآن؛ در فصل دوم، احکام زن در سنت نبوی ﷺ و در فصل سوم ارشادات پیامبر گرامی اسلام ﷺ در موضوع زن آورده شده است.

کتاب دیگر و مقالات متعددی با موضوع زن، خانواده و بحث اشتغال وجود دارد که بیشتر از بعد جامعه‌شناختی و دیدگاه کلی اسلام به موضوع پرداخته‌اند و بررسی تطبیقی تفسیری صورت نگرفته است.

### ۳. مصادیق مشارکت

مشارکت اجتماعی زنان به دو گونه است:

#### ۳-۱. مشارکت اجتماعی مستقیم

به این معنا که مادران با تربیت فرزندان صالح یا ناصالح، صعود یا انحطاط یک جامعه را رقم می‌زنند که در این مشارکت، اولاد به صورت مستقیم و مادران به طور غیر مستقیم در جامعه حضور دارند.

شالوده هر جامعه، خانواده‌ها هستند و در واقع، هسته اولیه تشکیل جوامع نیز محسوب می‌شوند. نیروهای حرکت دهنده هر جامعه در خانواده‌ها متولد شده و رشد پیدا می‌کنند. روابط اولیه افراد در خانواده، زمینه ساز نوع فعالیت‌های آینده آنان در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. تجارب افراد در خانواده می‌تواند سال‌ها آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و پیامدهایی را به دنبال داشته باشد که ارکان مهمی از جامعه را تحت تأثیر قرار دهد (سالاری فر، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

#### ۳-۲. مشارکت اجتماعی غیر مستقیم

به این معنا که زن بعد از مسئولیت خانواده، در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و غیره حضور دارد که به برخی از مصادیق آن اشاره می‌شود:

##### الف. فعالیت‌های سیاسی

قرآن زن را همچون مرد مسئول و متعهد و طبعاً مستقل معرفی کرده است و به او حق داده که در مسائل اصلی خود تصمیم‌گیر باشد و در انتخاب روش سیاسی و حکومتی که باید بر مبنای شناخت و اعتقاد باشد، شخصاً اقدام نماید؛ مانند موضوع بیعت در آیه ۱۲ سوره ممتحنه (دوست محمدی، ۱۳۶۸، ص ۷۷). البته مصداق‌های متعددی برای مشارکت سیاسی می‌توان در نظر گرفت و امروزه به برکت جمهوری اسلامی ایران این امر برای بانوان محقق است که از جمله:

- رأی دادن؛

- حضور ارزشمند زنان در دفاع مقدس؛

- حضور در تصمیم‌گیری‌های سیاسی (مجلس، شوراهای اسلامی و...)
- پذیرش مسئولیت‌های سیاسی (غیر از مواردی که در قانون منع شده است)؛
- شرکت در راهپیمایی‌ها؛
- حق نظارت؛

- شرکت در گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی، مانند «کمیسیون امور بانوان» و «بسیج خواهران».

### ب. فعالیت‌های اقتصادی

در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بانوان، دیدگاه‌های متعددی مبنی بر قبول یا رد وجود دارد؛ لکن آنچه از آموزه‌های اسلامی برمی‌آید، این است که کسب و اشتغال برای زنان تا زمانی که به کرامت انسانی‌شان ضربه نخورد، مانع تقرب‌شان به خدا و کسب درجات الهی نشود، استحکام خانواده و تربیت فرزندان را مخدوش نکند، منعی ندارد.

### ج. فعالیت‌های اجتماعی

برخی از فعالیت‌های اجتماعی زنان عبارت است از:

- تعلیم و تربیت؛
- فعالیت‌های فرهنگی؛
- مشارکت در مجالس دینی؛
- تفریحات سالم؛
- امر به معروف و نهی از منکر.

## ۴. اصول بنیادین حضور اجتماعی زن

### ۴-۱. کرامت ذاتی زن

نظام حقوقی اسلام، مبتنی بر آیین اسلام است. دین اسلام به عنوان یک مکتب تام و جامع، ترکیبی آمیخته از اعتقادات، جهان بینی، دستور العمل‌های اجتماعی و رهنمودهای اخلاقی است. بعد از ظهور اسلام و نزول آیات قرآنی، بحث کرامت و حقوق زن در میان مسلمانان مطرح و سؤالاتی در برخی از موارد، مانند مسئله ارث و غیره از ائمه اطهار علیهم‌السلام مطرح شد. نظام حقوقی اسلام بهترین



کرامت را به زن بخشیده و بهترین دفاع را از شخصیت حقیقی و حقوقی زن نموده است. کرامتی که اسلام به زنان بخشیده است، در هیچ تمدن قبل از اسلام وجود نداشته است و پس از پیدایش اسلام هم هیچ تمدنی پدید نیامده که کرامتی بهتر از آن را برای زنان بیان کرده باشد.

در بسیاری از آیات قرآن به موضوع کرامت انسانی بدون تفاوت جنسیتی توجه شده است و در مجموع آیات قرآنی که بیانگر کرامت ذاتی انسان است، هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد و هر دو جنس را به طور یکسان در کرامت ذاتی شریک می‌داند: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَيْتِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را بر مرکب برّ و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم ﴿ (اسراء، ۷۰) (آدینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۷۶۸).

این کرامت جنسیت بردار نیست و زن به جهت هویت مشترک انسانی با مرد از این کرامت برخوردار است (بحرالعلوم، ۱۴۰۷، ص ۴۵). بنابراین، باید در هنگام حضور زن در اجتماع و اشتغال وی به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی این اصل خدشه دار نشود و به گونه‌ای نباشد که زن مورد اهانت و تحقیر واقع شود؛ آن گونه که امروزه در غرب برای زن در نظر گرفته‌اند.

در فلسفه غرب تا آنجا که ممکن بوده به حیثیت ذاتی انسان لطمه وارد شده و مقام انسان پایین آمده است. دنیای غرب، از طرفی انسان را از لحاظ آفرینش و علل پیدایش پایین می‌آورد و از طرف دیگر، اعلامیه بلند بالا درباره ارزش انسان، کرامت و شرافت ذاتی و حقوق مقدس و غیر قابل انتقالش صادر می‌کند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۷۳). در میان مکاتب باستان و دانشمندان قدیم هم کم نیستند افرادی که زن را در مرتبه انسانی همتای مرد نمی‌دانند و حتی پلیدتر از حیوانات تلقی می‌کنند. به عقیده ارسطو، طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند (زیبایی نژاد و سبحانی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). بنابراین، اگرچه از لحاظ اسلام محدودیت خاصی برای اشتغال و پذیرش امور مختلف توسط زنان وجود ندارد؛ اما باید توجه داشته باشیم که برخی شغل‌ها با روحیات زن سالم سازگار نیست. متأسفانه امروزه شاهدیم که برخی زنان به کارهایی اشتغال دارند که مناسبشان نیست، مانند مسافرکشی، نظافت خیابان، دست فروشی، حمل بار، دام پروری و غیره (نریمانی، ۱۳۹۴، ص ۲۵۸). در واقع، این امور مطابق با ساختار جسمی و وضع روحی زنان نیست و آن‌ها را آسیب پذیر می‌کند.



## ۲-۴. تقدم ارزش‌های معنوی بر منافع مادی

اصل دیگری که باید در مسئله حضور بانوان در اجتماع توجه شود، این است که در هنگام تعارض و تزام حقوق مادی و معنوی، اصل با تقدم حقوق معنوی بر مادی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۳). برای مثال، اگر استخدام زن در اداره یا محل کار یا ارتقای او به پایه بالاتر به سوء استفاده از وی بینجامد، از آنجا که تقدم با مصالح معنوی است، باید استخدام و مزایای آن را کنار بگذارد. به عبارت دیگر، این پرسش مطرح می‌شود که در صورت تزام میان مادیات و معنویات، کدام اصل می‌تواند در رفع این تزام و تنظیم روابط اجتماعی به ما کمک کند؟ و آیا عالی‌ترین حد از مصالح مادی را باید مقدم داشت و رشد معنوی را کنار گذاشت یا به قیمت پذیرش رشد مادی کمتر، مصالح معنوی را نیز تأمین کرد؟ در پاسخ باید گفت انسانیت انسان و کمال حقیقی او در سایه معنویات به دست می‌آید. معنویات، انسان را به خدا نزدیک می‌کند و زندگی مادی، مقدمه دستیابی به معنویات و وسیله تأمین آن خواهد بود. اگر وسیله، ما را به هدف نزدیک نکند و اصل یا هدف، فدای وسیله شود، چنین وسیله‌ای ارزش واقعی خود را از دست می‌دهد. در بینش اسلامی، زندگی مادی، مقدمه آخرت است و منافع مادی وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن به مصالح معنوی است. در واقع، دارایی مادی، هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای است تا انسان بتواند به کمک آن، انسانیتش را کامل کند. بنابراین، اگر تزامی بین این دو به وجود آید، باید امور معنوی را مقدم داشت. در نتیجه، اگر ما دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام را ملاحظه کنیم، در لابه لای آن‌ها این اصل را به روشنی خواهیم یافت. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» خداوند برای کافران تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است (نساء: ۱۴۱) و نیز می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت از آن خدا و فرستاده خدا و مؤمنان است» (منافقون: ۸). اگر رابطه اقتصادی با جامعه‌ای، استقلال، عزت و عظمت جامعه مسلمانان را به خطر بیندازد، باید چنین رابطه‌ای قطع شود. ترجیح است که دسترسی به تکنولوژی غربی نداشته باشیم؛ ولی استقلال و عزت جامعه اسلامی محفوظ بماند.

## ۳-۴. لزوم توجه به روابط صحیح بین زن و مرد

از جمله مباحث اساسی که از دیرباز در جامعه ما مطرح بوده است، مسئله مرزها و حدود وظایف و تکالیف دینی است. در اینجا پرسش مطرح آن است که آیا اصل و قاعده اولیه‌ای در اسلام دال بر

این امر وجود دارد که رابطه زن و مرد نامحرم باید همواره در پایین‌ترین حد خود باشد و چنانچه نیاز و ضرورت ایجاب نکند، بهتر است رابطه‌ای پدید نیاید؟ به بیان دیگر، آیا در اسلام اصل و قاعده اولیه، بر کاهش روابط زن و مرد است و هر زن و مرد مسلمان باید تلاش کند تا با دیگری کمتر ارتباط داشته باشد، یا آنکه چنین اصلی وجود ندارد؟

در واقع، نقش روابط زن و مرد در شکل‌گیری نهاد مهم خانواده و پیوند آن با بقای نسل و دیگر مسائل اساسی زندگی انسان که در بقا و سلامت فرد و اجتماع نقش حیاتی دارد، حساسیت ویژه‌ای را درباره چگونگی تنظیم این روابط پدید می‌آورد. از این رو، در تمدن‌ها و جامعه‌های مختلف، هنجارهای خاصی برای تنظیم این روابط در نظر گرفته شده است. اسلام نیز با آنکه در قرآن بیان می‌کند که جامعه از زن و مرد تشکیل شده است و برترین آن‌ها باتقواترین ایشان است و تفاوتی بین زن و مرد نیست (حجرات: ۱۳) و زنان همچون مردان می‌توانند در دعوت، هجرت، جنگ و جهاد شرکت کنند و ارزش کار و عمل آن‌ها با مردان یکسان است (آل عمران: ۱۹۵)؛ اما به عنوان کامل‌ترین راهنمای بشر در زندگی فردی و اجتماعی، آموزه‌های خاصی برای تنظیم روابط زن و مرد دارد که شناخت این آموزه‌ها برای هر فرد مسلمان لازم است. در برخی از آیات قرآن کریم، مؤمنان به ویژه زنان از رفتارهایی که سبب جلب توجه و تحریک نامحرم می‌شود، نهی شده‌اند و بر حیا و عفت در مقابل نامحرم تأکید شده است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای همسران پیامبر! شما همانند هیچ یک از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع نکنند و به شایستگی سخن بگویند» (احزاب: ۳۲).

گرچه این آیه خطاب به همسران پیامبر است؛ ولی به آن‌ها اختصاص ندارد و شامل همه زنان مسلمان می‌شود. طبق این آیه زنان نباید در گفتگو با نامحرم از سخنانی که مفهوم یا آهنگ آن وسوسه‌آمیز و تحریک‌کننده باشد، استفاده کنند؛ چه بسا در بین آن‌ها افرادی باشند که به سبب ضعف ایمان و آلودگی به هوس‌های شیطانی، تحریک شوند و خیال‌گناه در سر خود بپروراند. بنابراین برای حفظ عفت و پاکدامنی افراد جامعه، بر زنان لازم است در گفتگو با نامحرم دقت لازم را داشته باشند. در سوره احزاب، آیه ۳۳ بحث خودآرایی و تبرج را بیان کرده است: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ



تَبْرِجِ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ و (ای زنان پیامبر) در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید. در این آیه نیز به زنان دستورات دیگری برای برخورد با نامحرم می‌دهد. در ابتدا از زنان می‌خواهد تا جایی که امکان دارد از خانه خارج نشوند و خود را کمتر در معرض دید نامحرم قرار دهند؛ زیرا با این کار جلوی بسیاری از مفسده‌های اخلاقی گرفته می‌شود و زمینه انحراف و ناهنجاری در جامعه از بین می‌رود. چنانچه در آیه ۵۳ همین سوره به این مطلب اشاره کرده است. دستور دیگری که این آیه برای زنان دارد، این است که از تبرج، جلوه‌گری و جلب توجه نامحرم پرهیزند. کلمه تبرج از برج گرفته شده و به معنای آن است که فرد، خود را مانند برج در معرض دید و تماشای دیگران قرار دهد. در واقع، این قسمت آیه به ما می‌فهماند اگر زنان نمی‌توانند در خانه بمانند و بیرون آمدن از منزل برایشان ضروری است؛ به‌گونه‌ای خارج شوند که سبب جلب توجه نامحرم نشوند. پس طبق این آیه، جواز حضور زن در اجتماع مشروط بر این است که اولاً حضورش ضرورت داشته باشد و ثانیاً نحوه حضور او اعم از نوع پوشش، راه رفتن، نگاه کردن و در یک کلمه تمام حرکات و سکناتش به نوعی باشد که در قالب تبرج و جلوه‌گری نبوده و بلکه همراه با حیا و عفت باشد. در سوره قصص آیات ۲۳ و ۲۵، در جریان دختران شعیب و حضرت موسی علیهم‌السلام به همین شیوه رفتاری اشاره کرده و آن را می‌ستاید.

در سوره نور آیه ۳۰ و ۳۱ موضوع نگاه به نامحرم مطرح شده است: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ به مردان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند... و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند. در این دو آیه نیز به رفتار دیگری که بیانگر عفت و حیا است، اشاره می‌کند و آن پرهیز از نگاه هوس‌آلود به نامحرم است؛ زیرا اگر نگاه به نامحرم از روی لذت باشد، سبب انحراف اخلاقی می‌شود و آدمی را از جاده عفاف دور می‌کند.

خدای متعال در سوره احزاب آیه ۵۳ می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به عنوان عاریت) از آنان (زنان پیامبر) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است. در این آیه نیز به شیوه دیگری برای حفظ عفت و حیا اشاره می‌کند و به مردان دستور می‌دهد هنگام

صحبت کردن با زنان پیامبر و به طور کلی، زنانی که با آن‌ها محرم نیستند، سعی کنند رو در روی آن‌ها قرار نگیرند؛ بلکه از پشت پرده صحبت کنند. این آیه بر لزوم داشتن مکان اختصاصی برای زنان و عدم جواز ورود آقایان به آن‌ها تأکید می‌کند.

این مسئله می‌تواند به عنوان یک اصل در تعیین چگونگی حضور زن در جامعه نقش داشته باشد؛ به این نحو که مردان غیر از محارم، چه در خانه و چه در بیرون از خانه، مانند محارم نیستند و در یک رتبه قرار ندارند. اما اگر کسی این اصل را باور نداشته باشد و زن و مرد را یک مرتبه بداند، اختلاط محرم و نامحرم را هم در نظر نمی‌گیرد و در نهایت، آسیب‌ها و پیامدهای خاص خودش را در پی دارد که مانع حفظ جایگاه زن خواهد بود.

ویژگی حیا و عفت، عامل بسیار مهمی در حفظ و ارتقای موقعیت و شخصیت زن دارد. حیای زن در برابر مردان بیگانه ارزشمند است؛ زیرا عفت و حیای اجتماعی زن، باعث ارتقای سطح سازگاری همسران می‌شود و بهترین زنان هنگام حضور در جامعه این شرط را لحاظ کرده تا مانند زره و سپر حافظ آن‌ها باشد (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

## ۵. حضور اجتماعی زن از نگاه آیات

قرآن کریم از یک سو در زمینه مشارکت اجتماعی ماجراهایی را بیان می‌کند که عبارت است از نقد دیدگاه جاهلی نسبت به جایگاه زن در جامعه، حکومت ملکه سبا، چوپانی دختران شعیب، مناظره و گفتگوی زنان با پیامبر که از این داستان‌ها می‌توان اصولی را استخراج کرد، مانند ضرورت حیا در راه رفتن را از دختران شعیب، پیشینه حکومت و فرمانروایی زن را از ماجرای ملکه سبا و غیره. از سوی دیگر، قرآن کریم مواردی را بر می‌شمارد که زنان حضور اجتماعی داشته و با حضور خود، نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. این فعالیت‌ها عبارت است از: بیعت (ممتحنه: ۱۲)، هجرت (نساء: ۹۷-۹۸)، امر به معروف و نهی از منکر (توبه: ۷۱)، کسب و تلاش اقتصادی و مالکیت (نساء: ۳۲)، فعالیت اقتصادی - اجتماعی همراه با حیا (قصص: ۲۳-۲۶)، داستان ملکه سبا و پادشاهی او (نمل: ۲۳، ۲۹، ۳۲، ۴۴)، مباحثه (آل عمران: ۶۱)، تلاش‌های خواهر موسی برای رهایی وی (طه: ۴۰) و مشارکت زنان در جهاد و غیره (رک. مهریزی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۳-۳۲۷).

علامه طباطبایی رحمته الله علیه، در عین توجه به اختلافات، قائل است جایگاه زن و مرد در اسلام مساوی است:

مشترک بودن دو طایفه زن و مرد در اصول مواهب وجودی، یعنی در داشتن اندیشه و اراده که این دو، خود مولد اختیار هستند، اقتضا می‌کند که زن نیز در آزادی فکر و اراده و در نتیجه در داشتن اختیار، شریک با مرد باشد؛ همان طور که مرد در تصرف در جمیع شئون حیات فردی و اجتماعی خود به جز آن مواردی که ممنوع است، استقلال دارد، زن نیز باید استقلال داشته باشد، اسلام هم که دین فطری است، این استقلال و آزادی را به کامل‌ترین وجه به زن داده است. آری، زن از برکت اسلام مستقل به نفس و متکی بر خویش گشت، اراده و عمل او که تا ظهور اسلام گره خورده به اراده مرد بود، از اراده و عمل مرد جدا شد، و از تحت ولایت و قیمومت مرد درآمد، و به مقامی رسید که دنیای قبل از اسلام با همه قدمت خود و در همه ادوارش، چنین مقامی به زن نداده بود؛ مقامی به زن داد که در هیچ گوشه از هیچ صفحه تاریخ گذشته بشر چنین مقامی برای زن نخواهید یافت، و اعلامیه‌ای در حقوق زن همانند اعلامیه قرآن که می‌فرماید: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره: ۲۳۴) نخواهید جست. لیکن این به آن معنا نیست که هر چه از مرد خواسته‌اند از او هم خواسته باشند، در عین اینکه در زنان عواملی هست که در مردان نیز هست، زنان از جهتی دیگر با مردان اختلاف دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۱۴).

## ۱-۵. تبیین آیات دال بر جواز حضور زن

از نگاه اسلام، میان زن و مرد در سیر و سلوک معنوی و تحصیل کمالات روحی و ارتباط با پروردگار یقیناً تفاوتی وجود ندارد. تعالی روحی و قرب الهی و پاداش اخروی به ایمان، عمل صالح، علم و تقوا بستگی دارد، نه به جنسیت خاص. یقیناً بسیاری از خطابات و تکالیف عام قرآن و سنت شامل همه انسان‌ها - اعم از زن و مرد - می‌شود. بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به یقین به جنس مرد اختصاص ندارد؛ مثلاً امر به معروف و نهی از منکر که یکی از فرایض بزرگ و پر دامنه اسلامی است، به مردان اختصاص ندارد.

«مردان و زنان همه نسبت به یکدیگر یار و دوستدار هم هستند (یا همه نسبت به هم ولایت

دارند). یکدیگر را به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و نماز می‌گذارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. خدا اینان را رحمت خواهد کرد.» (توبه: ۷۱).

تاریخ هم نشان می‌دهد که زنان نیز همانند مردان در قضیه بیعت با پیامبر اسلام ﷺ مشارکت داشته‌اند. از نگاه اسلام، استقلال مالی و مشارکت در مبادلات و معاملات اقتصادی جامعه و مالکیت بر حاصل کار و درآمد ناشی از آن به جنس مردان اختصاص ندارد. «مردان را از آنچه کسب می‌کنند، بهره‌ای است و زنان را نیز از آنچه کسب می‌کنند، بهره‌ای می‌باشد» (نساء: ۳۲). نیز مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش و نیز انتخاب نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به مردان اختصاص ندارد. در ادامه، آیه‌ای که ناظر به جواز حضور اجتماعی زنان است، بررسی خواهد شد.

### آیه مباهله

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ هر گاه بعد از علم و دانشی که [درباره مسیح] به تو رسیده [باز] کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت می‌نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت می‌کنیم، شما هم از نفوس خود، آن گاه مباهله می‌کنیم [در حق یکدیگر نفرین کنیم] و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم ﴿آل عمران: ۶۱﴾.

آیه ذکر شده درباره داستان مباهله پیامبر اسلام ﷺ با علمای نجران است. به اتفاق همه مفسران (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۲۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۶۲) در موضوع مباهله، پیامبر به همراه حسن، حسین، حضرت علی و حضرت زهرا به مکان معین شده برای مباهله حضور پیدا کردند و هنگامی که مسیحیان این صحنه را دیدند، به وحشت افتاده و حاضر به مباهله نشدند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۸۲؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۷). بنابراین، با توجه به اینکه فقط حضرت زهرا علیها السلام در مباهله حضور داشتند، مقصود از نساء، فقط ایشان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۶۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۴۷) و این حضور به امر خداوند صورت گرفته و حضرت نیز برخوردار از مقام عصمت و مصون از خطا و اشتباه بوده‌اند؛ پس می‌توان گفت حضور حضرت زهرا علیها السلام در این جمع، دلیل بر جواز حضور اجتماعی زن است.

به عبارت دیگر، در عربستان پیش از اسلام، زن هیچ جایگاهی نداشت. زن به عنوان کنیزی که در خدمت مرد قرار می‌گرفت تا کارهای خانه‌اش را انجام دهد، ایفای وظیفه می‌کرد. او در مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره حق دخالت و اظهارنظر نداشت. در چنین شرایطی بود که اسلام ظهور نمود؛ اسلامی که به جنس انسان اهمیتی نمی‌داد، بلکه انسانیت وی حائز اهمیت بود. پس در اسلام زنان صاحب حق و حقوقی شدند و دیگر کمتر مورد ظلم قرار می‌گرفتند. در شرایطی که دختران زنده به گور می‌شدند و برای زنان در جامعه هیچ شخصیتی قائل نبودند، حضرت زهرا علیها السلام پا به عرصه هستی نهاد و همگان از کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به ایشان تعجب می‌نمودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن مقام مادی و معنوی، خم شده و دستان دختر خود را می‌بوسید و به او احترام ویژه می‌گذاشت. البته برخی به اشتباه گمان می‌کنند که ارزش حضرت صرفاً به این دلیل بوده است که ایشان دختر نبوت، همسر ولایت و مادر امامت بوده‌اند؛ حال آنکه باید در نظر داشت که ایشان به دلیل شایستگی و ارزش‌شان در این مسندها قرار گرفته‌اند. با بررسی تاریخ روز مباحله پی می‌بریم که خود حضرت زهرا علیها السلام آن قابلیت را داشته و از مقام والای معنوی برخوردار بودند که به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به مباحله می‌روند و دعا یا نفرین ایشان حتماً به استجابت می‌رسید و علاوه بر آن نشان‌دهنده تأیید دین مبین اسلام بر حضور اجتماعی زن و تأثیرگذاری وی است.

### بیعت زنان با رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمان خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره بیعت ایشان با زنان، بیانگر ترغیب ایشان به مسائل سیاسی اجتماعی و حضور در مناسبات اجتماعی است.

خداوند در قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب می‌کند که با زنان بیعت نماید و آن گاه که پیامبر از زنان بیعت گرفت، به آنان اعلام کرد شما از عناصر اصلی اجتماع و ارکان بنیادی جامعه هستید و برای حفظ و سلامت آن، باید به میزان سهم خود از آن پاسداری کنید: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِمُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند،

دزدی نکنند، آلوده زنا نشوند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترا بی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آن‌ها از درگاه خداوند طلب آموزش نما که خداوند آمرزنده و مهربان است» (ممتحنه: ۱۲) (آدینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۵۴۴). مفسران نوشته‌اند این آیه روز فتح مکه نازل شد؛ هنگامی که پیامبر ﷺ بر کوه صفا قرار گرفته بود، از مردان بیعت گرفت. زمانی که زنان مکه که ایمان آورده بودند، برای بیعت خدمتش آمدند، آیه فوق نازل شد و کیفیت بیعت با آنان را شرح داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۴۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۱۴۷).

در واقع، این آیه، حکم بیعت زنان مؤمن با رسول خدا ﷺ را بیان می‌کند و در آن اموری را شرط کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۲۷۳) که بعضی مشترک بین زنان و مردان است، مانند شرک نورزیدن، نافرمانی نکردن از پیامبر در کاهای نیک و برخی دیگر، مربوط به زنان است، مانند پرهیز کردن از دزدی، زنا، کشتن فرزند، فرزندان دیگران را به شوهر نسبت دادن. اگرچه این امور به گونه‌ای مشترک بین زن و مرد است؛ اما بیشتر با زنان ارتباط دارد، چون زنان عهده‌دار تدبیر منزل هستند و این زنانند که باید عفت دودمان را حفظ کنند و نسل پاک و فرزندان حلال زاده به وسیله آنان حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۶۱۲).

با توجه به این آیه، پیامبر نه تنها زنان مکه را از این عمل نهی نکرد؛ بلکه از طرف خدا مأمور شد تا با ایشان بیعت کند و برخلاف ادعای مخالفان اسلام که می‌گویند: اسلام برای زنان ارزشی قائل نشده، دقیقاً آن‌ها را در مهم‌ترین مسائل، از جمله بیعت که بارزترین مظهر عمل سیاسی است، به حساب آورده است. آنان نیز در این امر مهم شرکت نموده‌اند و شرایط مربوط به آن را پذیرفته‌اند.

### حضور دختران شعیب در اجتماع

قرآن کریم از دختران شعیب در حال انجام فعالیت اقتصادی - اجتماعی یاد می‌کند و شرم و حیای آن‌ها را در حین عمل و کار بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» و هنگامی که موسی به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود



را سیراب می‌کنند و در کنار آن‌ها دوزن را دید که مراقب گوسفندان خویش هستند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند، موسی) به آن‌ها گفت: کار شما چیست (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید) گفتند ما آن‌ها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد مستی است ﴿ (قصص: ۲۳) (آدینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۸۱۰).

با توجه به داستان و اینکه قرآن کریم در کنار بیان واقعه، اشاره‌ای به منع حضور دختران شعیب نکرده است؛ از این رو، می‌توان از این آیه هم بر عدم منع فعالیت اجتماعی بانوان نتیجه گرفت. به عبارت دیگر، آیات مزبور، به برخی از فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی زنان اشاره دارد؛ زیرا رفتن به بیابان، شبانی و چوپانی، آب دادن به گوسفندان در کنار مردان و سخن گفتن با موسی (مرد بیگانه)، جایز دانسته شده است و دختران شعیب با رعایت عفت و حجاب این اعمال و رفتار را انجام می‌دادند و از اختلاط با مردان جلوگیری می‌نمودند، حتی زمانی که به سوی موسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌رفتند، با شرم و حیا راه می‌رفتند.



### حضور حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام در جمع مردم

نمونه زن قرآنی دیگر، حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام است که با وجود مخالفت رهبران یهودی به خدمت معبد درآمد و سپس از سوی خداوند به عنوان فردی امین و برای رسالتی عظیم انتخاب می‌شود. وی با نذر مادر خود به سوی معبد فرستاده می‌شود: ﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [به یاد آورید] هنگامی که همسر عمران گفت: خداوندا! فرزندی که در رحم دارم، برای تو نذر کردم که محرّر [و آزاد برای خدمت خانه تو] باشد از من بپذیر، همانا تو شنوا و دانایی ﴿ (آل عمران: ۳۵) (آدینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۳۴).

پیش از پرداختن به تفسیر این آیه و مسئله حضور زن، لازم است واژه «محرّر» در آیه توضیح داده شود. واژه «محرّر» از ریشه «ح ر ر» در نگاه لغویون و اصطلاح مفسران به معنای فرزندی است که به خدمت معبد و خانه خدا در می‌آمدند تا امور نظافت و خدمات را انجام دهند و هنگام فراغت، مشغول عبادت شوند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۸۱؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۶۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۲۴). البته از آنجا که آن‌ها از هر گونه خدمت به پدر و مادر آزاد،

یا از این نظر که خالص از هر گونه تلاش و کوشش دنیوی بودند، به آن‌ها محرر می‌گفتند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۲۴).

حال با توجه به آیه و نذری که مادر حضرت مریم بدون آنکه بداند فرزندش دختر است، انجام داد، دو نتیجه به دست می‌آید:

۱. نذر مادر حضرت مریم صحیح بوده است؛ وگرنه وی را به سرپرستی حضرت زکریا علیه السلام به بیت المقدس نمی‌فرستاد.

اگر حضور دختر ممنوع بوده است؛ اولاً، چرا خداوند متعال در آیه به آن اشاره‌ای نکرده است. ثانیاً، حضرت مریم علیها السلام زن برگزیده الهی است و امور منکر از او واقع نمی‌شود. در تفسیر قمی در ذیل آیه: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» آمده که امام علیه السلام فرمودند: «خدای تعالی در این آیه دو بار اصطافای مریم را ذکر کرده، معنای اولی این است که خدا او را اختیار کرده و از سایر زنان عالم انتخاب فرموده و معنای اصطافای دوم آن است که مریم بدون شوهر حامله شد و خدا او را به این امتیاز از سایر زنان عالم ممتاز نمود» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰۲). ثالثاً، به قرینه آیه ۲۷ سوره مریم، اعتراض مردم به حمل‌آوری فرزند بدون همسر بیان می‌گردد؛ ولی هیچ گونه اعتراضی به جنبه حضور وی در کنیسه نمی‌شود.

بنابراین، هر چند این آیه درباره امت‌های پیشین است؛ اما می‌توان دلیل بر جواز حضور زن را هر چند به صورت مؤید، نتیجه گرفت.

حضرت مریم علیها السلام با تمام مخالفت‌های مردمان عصرش، عهده‌دار مسئولیت اجتماعی خطیری می‌شود که از جمله آن، نه تنها مبارزه با یهودیان دین ستیز است؛ بلکه پیام‌آور برانگیخته شدن پیامبری بزرگ است: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يَبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِبَاهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ هنگامی که فرشتگان گفتند ای مریم! خدای تعالی تو را به فرزندی - که بدون پدر از تو به دنیا خواهد آمد - که نام او مسیح، عیسی بن مریم است و در دنیا و آخرت در نزد خدا آبرومند می‌باشد و از نزدیکان درگاه الهی است، بشارت می‌دهد» (آل عمران: ۴۵).

## ۲-۵. تبیین آیات دال بر ممنوعیت حضور زن

مهم‌ترین آیه‌ای که در ممنوعیت حضور اجتماعی بانوان استفاده می‌شود، آیه ۳۳ سوره احزاب است. خداوند در این آیه خطاب به همسران پیامبر می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِنَّ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ و در خانه‌های خود قرار بگیرید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و رسولش را اطاعت نمایید، خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه شما را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» (آدینه‌وند، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۱۹۵) این فرمان الهی را باید کنار دیگر عبارات‌های آیه بررسی کرد. خداوند پس از این دستور می‌فرماید مانند جاهلیت نخستین میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسایل زینتی خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید؛ چرا که زنان در عصر جاهلی به نقل از خاورشناسان، حجاب مناسبی نداشتند و دنباله سرپوش‌های خود را عقب انداخته؛ به گونه‌ای که گلو و قسمتی از سینه و گوشواره و... در معرض دید قرار می‌گرفت (مرکز فرهنگ و معارف قرآنی، ۱۳۸۷، ص ۸۳).

سید قطب با توجه به واژه «قرن» از «وقریقر» که به معنای «استقر»، مستقر شدن و برجای ماندن است، نوشته است: «قرن»، تعبیر لطیفی است؛ یعنی خانه پایگاه زن است؛ از این رو، زن به قدر نیاز و حاجت می‌تواند از منزل خارج شود (سیدقطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۸۵۹).

در تفسیر *قرقان* نیز آمده است: «قرن از قریقر، امر آن اقررن است. آیه شریفه، زنان را به قرار گرفتن در خانه امر می‌کند و اینکه بدون حاجت از منزل خارج نشوند» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۴، ص ۱۰۵).

این مطلب درباره آیه فوق مشخص و مسلم است که اگر زن پست‌های اجرایی، مدیریتی و ولایی را بپذیرد، لوازم شغلی وی ایجاب می‌کند که از منزل خارج شده و با مردان اختلاط و برخورد کند و به طور طبیعی باید صدای وی را نامحرمان بشنوند. از یک سو، در آیه تصریح به نهی از خروج دارد؛ از این رو، زنان نمی‌توانند پست‌های اجرایی را بپذیرند؛ زیرا از لوازم قبول مسئولیت، خروج از خانه است (نریمانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴). از سوی دیگر، با توجه به نقش‌های مهم بانوان، ادله نقلی ذکر شده، دلالت بر جواز حضور دارد. لذا برای فهم آیه و رسیدن به مقصود و دلالت آیه مبنی بر جواز یا عدم جواز حضور زن در اجتماع، ناگزیریم به شرح و تفسیر آن بپردازیم.

### ۱-۲-۵. تبیین واژه «قرن»

واژه «قرن» طبق قرائت مشهور به فتح قاف از ریشه «قرار» مضاعف و به معنای پابرجا شدن و قرار گرفتن است. این واژه به کسر قاف از ریشه «وقار» مثال واوی و به معنای سنگینی، سکینه و وقار است. کلمه «قرن» به فتح یا کسر، صیغه ششم امر حاضر جمع مؤنث است که اگر از ریشه قرار باشد، دو احتمال متصور است:

- از فعل «قرر»، امر آن «اقررن» و به معنای اینکه زنان را به ماندن در خانه و قرار گرفتن امر کرده است.

- از فعل «یقار» باب مفاعله و به معنای اجتماع و کنایه از باقی ماندن زنان در خانه باشد. اما اگر از ریشه «وقار» باشد، صیغه امر آن به معنای این است که زنان را به سنگین بودن و با وقار بودن امر کرده است.

واژه «بُیُوتِکُنَّ» که شامل دو جزء مضاف و مضاف‌الیه است، دو معنا از این اضافه به نظر می‌رسد؛ یا منظور خانه‌هایی است که شما مالک آن هستید یا خانه‌هایی که به شما اختصاص دارد. یقیناً معنای اول مدنظر نیست؛ زیرا حکم ذکر شده در آیه به صورت مطلق است و مالکیت و عدم مالکیت زن در آن دخالت ندارد؛ لذا معنای دوم به نتیجه می‌رسد. به عبارت دیگر، مقصود از اضافه «بُیُوت» به «کُنَّ»، اختصاص است، نه ملکیت؛ در نتیجه معنای «بُیُوتِکُنَّ» خانه‌هایی است که به زنان اختصاص دارد و این اختصاص هم می‌تواند به این معنا باشد که زن در خانه آماده شده توسط شوهر قرار می‌گیرد و هم به معنای اینکه ارتباط و اختصاص زن بیشتر در امور خانه است.

اما معنای مجموع این دو واژه، با توجه به احتمالاتی که بیان شد، متفاوت است. بنا بر احتمال اول، یعنی زنان پیامبر باید در خانه بمانند و بنا بر احتمال دوم، یعنی زنان پیامبر باید در خانه سنگین و با وقار باشند. اما در نهایت در عین توجه به اینکه قرار و وقار از دو ریشه و معنا هستند، ولی قابل جمع‌اند؛ به این معنا که لازمه وقار و سنگینی، ماندن و پابرجا بودن است. پس معنای عبارت این می‌شود که در خانه‌هایی قرار گیرید که به شما اختصاص داده شده است.

### ۲-۲-۵. دلالت آیه

آیات پیشین سوره احزاب، خطاب به زنان پیامبر است و مخاطب اصلی این آیه هم زنان پیامبر

است؛ لذا برخی قائل اند این آیه ویژه همسران پیامبر است و نه دیگران و برخی قائل اند با الغای خصوصیت شامل زنان دیگر هم می شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۲۴۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷۹). حال با توجه به اینکه مقصود زنان پیامبر باشد یا همه زنان، پرسش اصلی مطرح می شود که مفاد این قسمت از آیه چیست؟

برخی قائل اند معنای ظاهری آیه منظور است و زنان نباید از منزل خارج شوند و روایات متعددی هم بر این امر دلالت می کند، مانند روایت سوده یکی از همسران پیامبر (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۶؛ کاشانی، ۹۸۲، ج ۷، ص ۲۸۳).

در پاسخ باید گفت اگرچه این معنا مطابق با ظاهر آیه است؛ اما اگر به معنای وجوب ماندن در خانه باشد، با سیره عملی زنان پیامبر و دیگر زنان مسلمان و آیات و روایاتی که در بالا ذکر شد، منافات دارد؛ لذا روایت امر به ماندن وجوبی در خانه نکرده است و حرمت حضور در اجتماع از این آیه برداشت نمی شود.

برخی قائل اند مراد از امر به ماندن در خانه آن است که زنان در کارهای سیاسی دخالت نکنند، نه اینکه از خانه خارج نشوند (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۳۵۳). در پاسخ باید گفت ظاهر آیه این مفهوم را نمی رساند و شاهدی هم بر این ادعا نیست و روایتی هم که از ابن عباس نقل شده، تطبیق آیه بعد از واقعه جمل است.

برخی نیز قائل اند منظور از آیه این است که زنان به قصد تبرج از خانه خارج نشوند، نه اینکه به صورت مطلق زنان از منزل خارج نشوند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۸، ص ۲۹۸).

### ۳-۲-۵. قول مختار

جمله «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» یک معنای ظاهری دارد و یک معنای کنایی. معنای ظاهری که واضح است و بیان شد؛ اما جهت توضیح معنای کنایی، باید گفت گاهی مردی به همسرش می گوید: در خانه ات بمان و از آن خارج نشو؛ که قطعاً اینجا منظور، خانه خاص و عدم اذن در خروج از منزل است، مانند روایتی که مردی برای کار از خانه خارج شد و به همسرش اجازه خروج از منزل را نداد و حتی در تشییع پدرش در زمان عدم حضور همسر شرکت نکرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۳)، اما اگر زنی با اذن همسر در اجتماع حضور داشته باشد، منعی از جانب شارع صورت نگرفته است.

در آیه هم این گونه است، گاهی امر به گونه‌ای است که خطاب کلی و عمومی دارد که یعنی شما در خانه‌هایتان بمانید و یا این طور گفته می‌شود که جای شما در خانه‌هایتان است که در هر دو صورت که زن خاصی مدنظر نیست و با توجه به اضافه لامیه آن، یعنی «بیوت» به «کُنَّ» که مفید اختصاص است، دو گونه قابل استنتاج است:

الف. اصل اولیه و امر طبیعی درباره زن، اختصاص خانه به زن است؛ زیرا هم بیشتر در آن حضور دارد و هم وظایف خانه را به عهده دارد، در حالی که مرد این گونه نیست؛ ولی این به آن معنا نیست که اگر زن از منزل خارج شد، گناهی انجام داده است، بلکه مقصود این است که اختصاص به خانه را از دست ندهد.

ب. یا این گونه باشد که خانه، حافظ امنیت و پاکدامنی زن است و او را از نگاه‌های آلوده دور می‌دارد و امر به ماندن در خانه به این معنا است که در امنیت باشد تا گرفتار دشمن نشود؛ لذا برخی با ترک این دژ، به تدریج در جامعه پرداخته و امنیت خود و خانواده را به خطر می‌اندازند.

بنابراین، در نهایت نتیجه می‌گیریم که امر ماندن در خانه به معنای این نیست که اگر بانویی از منزل و با حفظ شرایط خارج شد، دچار معصیت می‌شود و حکم ممنوعیت از این آیه، یا آیات مشابه و روایات برداشت نمی‌شود. گرچه این دستور در قرآن شریف به لحاظ اهمیت و موقعیت ویژه‌ای که زنان پیامبر در میان مردم داشتند، متوجه آن‌ها شده است؛ ولی دلیلی بر اختصاص آن به زنان پیامبر وجود ندارد و مورد آیه نمی‌تواند مخصّص باشد. در آیه قبل، زنان پیامبر از سخن گفتن هوس‌انگیز و مهیج نهی شده‌اند تا از طمع و آزار بیگانگان ایمن باشند. در این آیه می‌فرماید: «در خانه‌هایتان بمانید و همچون زنان جاهلیت در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و زیبایی و زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید».

## ۶. حضور اجتماعی زن از نگاه روایات

### ۶-۱. روایات بیانگر جواز حضور زن

محتوای روایات نشانگر این است که به طور مستقیم منعی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، این روایات بیشتر ناظر بر نحوه حضور زنان در جامعه است. برای

مثال، آن‌ها را از اختلاط با مردان بیگانه باز می‌دارد و به رعایت عفاف و پوشیدگی دعوت می‌کند؛ مانند این روایت که می‌فرماید: «أَمَّا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَعَارُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَشْوَاقِ وَيُرَاجِمَنَّ الْعُلُوجُ» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۳۵). همچنین در روایات متعددی داستان حضور حضرت خدیجه و همراهی او با پیامبر ﷺ در مسجد الحرام و اقامه نماز مطرح شده است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۹).

تعداد زیادی از روایات ناظر به پرسش‌های بانوان و حضور ایشان در جلسات علمی است و این نشان‌دهنده عدم منع حضور در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ بوده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۱؛ هلالی، ۱۴۰۵).

بنابراین، روایات متعددی درباره حضور زنان در جامعه وجود دارد که اگر خروج ایشان و حضور در جامعه و بهره‌مندی از ائمه معصومان علیهم‌السلام ممنوع بود، حداقل از باب امر به معروف و نهی از منکر به بانوان با تقوا تذکر داده می‌شد تا مرتکب معصیت الهی نشوند. چنانچه در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب به مردم عراق است که می‌فرمایند: «به من خبر رسیده است که زنان شما در بین راه با مردان برخورد می‌کنند و آنان را کنار می‌زنند، آیا شرم نمی‌کنید؟ ... خدا لعنت کند که کسی را که غیرت ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۳۵؛ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۷۴).

آنچه از روایت فهم می‌شود، این است که اگر مسئله‌ای با اسلام و مبانی آن تعارض داشته باشد، حضرات معصومین علیهم‌السلام تذکر می‌دهند. علاوه بر اینکه اگر تذکری هم صورت گرفته، نسبت به اصل حضور نیست؛ بلکه با توجه به در نظر گرفتن حدود و شرایط ارتباط با نامحرم است. بنابراین، اصل حضور در جامعه با حفظ شرایط منعی ندارد و اخبار فراوانی بیانگر این است که زنان در جامعه رفت و آمد داشته‌اند و این عدم تذکر اهل بیت علیهم‌السلام خود به نوعی تأیید این عمل است. در روایتی آمده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به زنان جوان اجازه می‌داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۸۷).

«حولاء»، زنی عطر فروش بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را موعظه می‌کرد و می‌فرمود: «هر گاه عطر می‌فروشی، جنس سالم و با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معامله سالم پاک تر است و سبب خیر و برکت می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۵۱).

## ۲-۶. روایات بیانگر عدم جواز حضور زن

با بررسی اولیه روایات ناظر به عدم جواز حضور زن، حکم به جایز نبودن این مسئله داده می‌شود؛ اما با تدقیق در مسئله نتیجه دیگری به دست می‌آید که ناظر به جواز حضور است. از این رو، برای تبیین بهتر، روایات منع حضور در دسته بندی ذیل ارائه می‌شود:

### ۱-۲-۶. روایات ممنوع بودن خروج زن بدون اجازه همسر

در روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره حق زوج بر زن روایتی است که زنی خدمت پیامبر رسید و از حقوق شوهر بر زن پرسید و حضرت مواردی را برشمردند و در یکی از آن حقوق که محل بحث ماست، فرمودند که از منزل بیرون نرود، مگر با اذن او و اگر بدون اذن از منزل بیرون رفت، فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می‌کنند (همان، ص ۵۰۶).

با بررسی روایت این نتیجه به دست می‌آید که اولاً، موضوع این روایت، زنان همسر دار است و بیان حقوق شوهر بر ایشان. ثانیاً، نهی مطرح شده در اینجا به صورت مطلق نیست؛ بلکه در موردی است که زن بدون اذن از منزل خارج شود که قائلان آن را از مصادیق نشوز برشمرده‌اند.

از سوی دیگر، این روایت و موارد مشابه آن، بر نفی حضور زن به معنای عام آن دلالت ندارد و با آیات و روایات دال بر جواز حضور هم منافات ندارد. به عبارت دیگر، ناروا بودن خروج زن از منزل و وجود حق منع به طور مطلق برای شوهر، با قاعده امساک به معروف (طلاق: ۲) و معاشرت نیکو با زن (نساء: ۱۹) مغایرت دارد. همچنین قاعده نفی حرج از انسان در دین اسلام راه را بر چنین باوری مسدود می‌کند؛ چرا که با به رسمیت شناختن چنین حقی برای مرد، به او اجازه داده می‌شود که حتی زن خود را به طور ابدی زندانی و در بند خانه خویش قرار دهد. اما نکته قابل توجه، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت او در خانواده است. بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده و اعضای آن و مسئولیتی که مرد برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن برعهده دارد، این اختیار برایش در نظر گرفته شده است که برای حفظ، حراست و پاسداری از نظام خانواده، معاشرت‌های زن را تحت کنترل و نظارت خود در آورد و حتی محدودیت‌هایی را برای او منظور کند.

### ۲-۲-۶. روایات ناظر به عدم لزوم حضور زن در نماز جمعه، عیادت، جماعت و ...

بر اساس روایات، اموری مانند نماز جمعه، نماز جماعت، عیادت کردن و غیره از زنان برداشته



شده است. در روایتی طولانی که بخشی از آن به موضوع ما مربوط است، پیامبر اکرم ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «ای علی! نماز جمعه، جماعت، اذان و اقامه، عبادت بیمار، شرکت در تشییع جنازه، هروله در صفا و مروه، لمس حجرالأسود و ... بر زنان نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۴ و ج ۱، ص ۲۹۸).

با بررسی روایات بر فرض پذیرش و صحت سند آن، باید بررسی کرد که آیا این روایات جایز نبودن حضور زن در مثال‌های یاد شده به معنای حرمت تکلیفی است، یا از باب تسهیل وظایف زنان بوده است؟ اگر احتمال اول را بپذیریم، لازمه‌اش این است که اگر زنی در این امور شرکت کرد، دچار معصیت شده است و با پذیرش احتمال دوم، اگر زن با در نظر گرفتن شرایط عفاف و حجاب، در این امور شرکت کرد، معصیت نکرده است و مستحق ثواب است، لکن لزومی در انجام این امور نبوده است که به نظر قول دوم مطلوب است و دلیل آن، آیات و روایاتی است که در این باره وجود دارد و نیز روایتی که بیان می‌کند حضرت زهرا علیها السلام در تشییع جنازه زینب دختر پیامبر شرکت کرد یا در نماز جماعت شرکت می‌کرده‌اند. می‌دانیم که حضرت از مقام عصمت برخوردار بوده‌اند<sup>۱</sup> و عملی را منافی با دین انجام نمی‌دادند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۵۱).

از سوی دیگر، برخی روایات حمل بر توصیه‌های اخلاقی می‌گردد؛ چرا که اگر دلیل قطعی بر منع حضور زن وجود داشت، فقها هم فتوا می‌دادند. استنباط فقها آن است که این گونه جملات ارشاد به حقیقتی روحی و روانی در رابطه دو جنس است و شکی نیست که رابطه زن و مرد اجنبی خطرناک است. اسلام توصیه می‌کند تا حد ممکن اجتماع مدنی غیر مختلط باشد (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۱۶). اسلام با اختلاط مخالف است، نه با شرکت زن در مجامع با حفظ حریم و حدود شرعی. سنت اسلام این بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند؛ ولی همواره اصل حریم رعایت و توصیه شده است (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵).

۱. بنا بر دیدگاه علمای شیعه، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام معصوم است و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد فاطمه و امام علی بر معصوم بودن خود در برابر ابوبکر در ماجرای مصادره فدک، از جمله اولین گزارش‌های تاریخی دال بر عصمت فاطمه است. روایات تفسیری و غیر آن در منابع شیعه و اهل سنت نیز از منابع مهم برای اثبات عصمت حضرت فاطمه است. بحث از عصمت حضرت از آن حیث اهمیت دارد که با اثبات آن برخی از شئون انبیاء و امامان از جمله حجیت قول، فعل و تقریر برخوردار است و مرجعیت دینی و صلاحیت تفسیر و تبیین دین هم برای ایشان ثابت می‌شود (دانشنامه فاطمی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۷۱-۷۲).

آیت الله جوادی آملی علت عدم الزام برخی از تکالیف را ریحانه بودن زن دانسته و می‌فرماید: «زن از آن جهت که ریحانه است و «لیست بقهرمانه» و خوب نسبت به بعضی از کارهای دشوار از او برداشته شده، البته در حد رخصت است، نه عزیمت. بدیهی است بین رخصت و عزیمت تفاوت است. عزیمت، یعنی اگر نهی بر چیزی وارد شد، کسی حق انجام آن را ندارد و اگر امر بر چیزی وارد شد، چاره‌ای جز انجام آن نیست، مثل اینکه گفته شود مسافر نباید روزه بگیرد، اما رخصت آن است که از عملی و خوب برداشته شده، بدون اینکه تحریمی باشد. اگر گفته می‌شود که نماز جمعه بر زن نیست؛ یعنی واجب نیست که حتماً حضور پیدا کند؛ اما نه اینکه اگر حضور پیدا کرد، مقبول نیست یا صحیح نیست یا فضیلت ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۸۲).

### ۳-۲-۶. روایات امر به نگهداری زن

روایات متعددی در این باره وجود دارد که در آن‌ها واژه‌هایی، مانند: احبسوا، حصنوا، استروا و... آمده است. در نگاه اول و با وجود کثرت آن‌ها، پیش فرض ذهنی قوت می‌گیرد که حضور زن در اجتماع ممنوعیت دارد و باید زن‌ها را در خانه محبوس کرد؛ اما بعد از بررسی و صرف نظر کردن از بررسی‌های سندی، نتیجه دیگری به دست می‌آید. در ادامه با هدف عدم تطویل در کلام فقط به دو دسته از این روایات اشاره و پاسخ می‌دهیم.

الف. روایاتی که در آن واژه «احبسوا» به کار رفته است؛ مانند اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مردان از زمین آفریده شده‌اند و همت و قصد آنان در زمین است و زن از مرد آفریده شده است و قصد و توجهش در مردان است؛ از این رو، آن‌ها را در خانه حبس کنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۷).  
پرسشی که در اینجا مطرح است اینکه آیا مقصود زندانی کردن در چهاردیوار خانه است؟ اگر این باشد قابل پذیرش نیست؛ چرا که نه با آیه ﴿و عاشروهن بالمعروف﴾ (نساء: ۱۹) سازگاری دارد و نه سیره ائمه علیهم السلام چنین بوده است؛ لذا از این روایت دلیلی بر عدم حضور زن در اجتماع برداشت نمی‌شود.

ب. روایاتی که در آن از واژه «حصنوهن» استفاده شده است؛ مانند روایتی که امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند حوا را از آدم آفرید؛ از این رو، تمام همت زنان در مردان است. پس زن‌ها را در خانه نگاه دارید» (همان).

در این روایت و موارد مشابه آن، توجه به واژه «حصن» لازم است. حصن در لغت به معنای

منع و بنای استواری است که قابل نفوذ نباشد. «حصن القرية»، یعنی دور قریه را دیواری کشیدم (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۱۹). در زبان عرب، به زن پاکدامن و زن شوهردار، «امراه حسان» گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۱۸). با توجه به این معنا و اینکه در روایت بیان شده است که زنان تمایل به مردان دارند، امر به این است که آنان را در خانه‌ها حفظ کنید؛ زیرا حصن زن، یعنی حفظ او از آلودگی جنسی، نه اینکه او را خانه نشین کنید و مانع حضور اجتماعی او شوید.

بنابراین، اگر از مجموع روایات درباره امر به نگهداری زن، این نتیجه به دست آید که زن را در خانه زندانی کنید و به او اجازه خروج از خانه را ندهید، با دستورات اسلام ناسازگاری دارد. علاوه بر آنکه مثلاً حتی در مورد فواحش که امر صریح در آیه ۱۵ سوره نساء آمده است که آن‌ها را در خانه زندانی کنید، هم دچار نسخ شده است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۵۳؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۱۷۹؛ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۰۵) و یا با آیاتی که به مردان توصیه کرده است با زنان به معروف برخورد کنید، تعارض پیدا می‌کند. البته این وظیفه مرد است که همسر خود را از آلودگی‌ها حفظ کند و بر زن هم واجب است که بدون اذن از منزل خارج نشود، آداب و شرایط عفاف و حجاب را در نظر گرفته و رعایت کند و بداند که اولین و مهم‌ترین وظیفه زن همسرداری و تربیت فرزندان است. از این رو، اگر زن در منزل است و به وظایف خود می‌پردازد، مرد نیز باید شرایط مناسبی برای او ایجاد کند.

## ۷. آثار و پیامدهای اجتماعی حضور زن

زمانی که درباره حضور بانوان صحبت می‌شود، برخی با نگاه روشنفکرانه قائل به اثبات آن و برخی معتقد به نفی آن هستند؛ در این میان، شناخت نگاه اسلام ضرورت دارد، اما نکته‌ای که بسیار قابل توجه است آثار و پیامدهای حضور اجتماعی است؛ چرا که برخی به تبعیت از غرب می‌گویند حضور واجب است، لکن امروزه خود غرب هم بعد از آسیب‌هایی که زن دیده است، توجه به این موضوع کرده و سعی دارد مانند اسلام، خود را معطوف به جایگاه ویژه زن نموده و از نگاه ابزاری خود دست بردارد. البته مفاهیم عالیه دینی قابل مقایسه با فکر بشری نیست.

خانم دایان پاسنو می‌گوید: فمینیست‌ها به خاطر تغییری که در باور مردان و زنان ایجاد کردند،



قابل سرزنش‌اند. به لحن مرامنامه سازمان ملی زنان که در ۲۹ اکتبر سال ۱۹۹۶ در اجلاس تشکیلاتی این سازمان در واشنگتن به تصویب رسید، توجه نمایید: «ما باورهای جاری مبنی بر اینکه مرد باید بار حمایت از خود، همسر و خانواده‌اش را به دوش بکشد و اینکه زن به محض ازدواج، به صورت خودکار از حمایت مرد در طول زندگی خود بهره‌مند گردد یا اینکه ازدواج، خانه و خانواده اولویت و مسئولیت نخست یک زن به شمار آید را رد می‌کنیم». در حالی که زنان باید به عنوان سازندگان محیط گرم خانواده، نقش خود را به منزله یک حرفه تلقی کنند. متأسفانه فمینیسم خلاف این موضوع را تبلیغ کرده و باعث شده است زنان برای ابراز تمایل خود به خانه‌داری به جای اشتغال خارج از خانه، احساس ناراحتی نمایند؛ در نتیجه مهارت‌های مورد نیاز جهت ساماندهی خانه از فرهنگ ما رخت بر بسته است (پاسنو، ۱۳۸۴، ص ۹۱).

## ۷-۱. آثار فردی اشتغال زن

### ۷-۱-۱. آثار مثبت

در پاره‌ای از نوشته‌ها، مسائلی چون استقلال اقتصادی، افزایش آگاهی و بینش اجتماعی، اعتماد به نفس، کمک به شادابی و سلامت روح و جلوگیری از افسردگی در اثر بیکاری و یک نواختی زندگی روزمره، استفاده از اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی به دلیل فقر و نیاز مالی، به ویژه درباره زنان بیوه و مطلقه، از آثار مثبت اشتغال زنان در بیرون از خانه برشمرده شده است. در حالی که پذیرش این موارد به صورت مطلق جای تأمل دارد؛ چرا که این آثار صرف نظر از ارتباط وی با شوهر و فرزند ملاحظه شده است (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۲۹۲). علاوه بر آنکه مواردی چون استقلال اقتصادی زن، لازمه‌اش حضور خارج از منزل را در پی ندارد و زن می‌تواند در منزل به فعالیت‌هایی دست بزند و به استقلال اقتصادی برسد.

### ۷-۱-۲. آثار منفی

از جمله پیامدهای منفی درباره اشتغال بانوان و حضور در عرصه‌های اجتماعی عبارت است از: خستگی جسمی، تحقیر زن، هتک عفت و آزار جنسی و جسمی. در مواردی مثل آزار جنسی و هتک حرمت، به یقین اثر منفی و لازمه حرام است؛ ولی برخی دیگر مانند خستگی جسمی زن شاغل، گرچه

اثر ثابت است و در همه جا وجود دارد؛ ولی اولاً منفی بودن آن محل تأمل است و ثانیاً بر فرض منفی بودن، در حد مرجوحیت است، نه ممنوعیت (رک: همان، ص ۲۹۳-۲۹۸).

## ۷-۲. آثار خانوادگی اشتغال زن

### ۷-۲-۱. آثار مثبت

برخی از نویسندگان، درآمد اقتصادی و حقوق ماهیانه زن را از آثار مثبت اشتغال زنان برشمرده‌اند؛ در حالی که اولاً تأمین مخارج خانواده برعهده مرد است و بر فرض اینکه زن بخواهد در این موضوع شریک شود یا در عمل محقق نمی‌شود یا اگر محقق شود، همراه با توقعاتی است و مشکلاتی را برای مرد به دنبال دارد یا تضمینی برای استمرار آن وجود ندارد (همان، ص ۲۹۸-۲۹۹).

### ۷-۲-۲. آثار منفی

خانواده نهادی اجتماعی است و زن یکی از ارکان آن است؛ از این رو، برخی قائل‌اند اشتغال زن باعث عوارضی از جمله: کاهش ارتباط عاطفی با شوهر، بی‌رغبتی به شوهر، رها کردن وظیفه اصلی تربیتی فرزندان، سوء عاقبت فرزندان و غیره می‌شود. البته هر چند این موارد مهم و تأثیرگذار است؛ اما این به آن معنا نیست که اگر بانویی شاغل شد، چنین عوارضی بر خانه او سایه می‌افکند. بدیهی است توجه، برنامه‌ریزی و دقت جدی از سوی مادران و همسران سبب کاهش این آثار می‌شود.

## ۷-۳. آثار اجتماعی اشتغال زن

### ۷-۳-۱. آثار اجتماعی اشتغال زنان در بعد فرهنگی

ورود گسترده زنان به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در سطوح مختلف مستلزم آثاری، از جمله نقض عفت و حیای عمومی، افزایش سن ازدواج دختران، افزایش نرخ نامشروعیت، افزایش نرخ طلاق، افزایش نحوه جدید زندگی (هم‌زیستی مشترک) است. البته این موارد در کشورهای غربی که نوعاً حضور افسارگسیخته‌ای برای اشتغال زنان دارد، بیشتر مشاهده می‌شود.

### ۷-۳-۲. آثار اجتماعی زن در بعد اقتصادی

توسعه و رفاه اجتماعی، از آثار مثبت حضور زن در اجتماع و بیکاری و تأخیر ازدواج پسران، از آثار

منفی اقتصادی اشتغال زنان شمرده می‌شود (رک: همان، ص ۳۱۰-۳۱۵).

## ۸. الگوی صحیح مشارکت و حضور زن در اجتماع

امروزه سه نگاه و رویکرد اصلی به زن و جایگاه او در اجتماع وجود دارد: نگاه غربی، نگاه سنتی و نگاه اسلامی. در نگاه غربی که برخاسته از تفکر و اندیشه غربی است، رابطه زن و مرد در همه نهادهای اجتماعی، یک رابطه مبتنی بر قدرت است. نزاعی دائمی بین زن و مرد برای دستیابی به قدرت وجود دارد. بحث تشابه حقوق زن و مرد، یکی از بسترهای ایجادکننده این رابطه در غرب بود. اصلاً فمینیسم در غرب به وجود آمد تا بتواند امتیازاتی را برای زن جلب کند تا زن در این نبرد قدرت با مرد پیروز شود. شهید مطهری رحمته‌الله علیه نقش چشم‌گیری در شناخت این انحراف فکری غرب و تبیین جایگاه صحیح زن در خانواده و جامعه ایفا کرده است. ایشان در دهه ۱۳۴۰ بحث زیبایی را درباره اشتباه غربی‌ها مبنی بر مشابه دانستن حقوق زنان و مردان - و نه تساوی حقوق آن‌ها - مطرح کرده و اثبات نموده که با این اشتباه، زنان همیشه جنس دوم خواهند بود؛ زیرا بر اساس تشابه حقوقی در کارهای مردانه‌ای وارد خواهند شد که نیاز به قدرت جسمانی و روان‌شناختی مردانه دارد و بنابراین، هر کاری که بکنند، باز هم در این فعالیت‌ها از مردان عقب می‌مانند.

اما در نگاه سنتی، مردان زنان را فقط برای خود و تمایلات و تمنیات خودشان می‌خواهند. اگر نگاه مدرن زنان را برای جامعه مردان می‌خواهد، نگاه سنتی زن را برای مرد می‌خواهد. اما نگاه غربی، زن را تا برهنگی در جامعه پیش می‌برد؛ چرا که این وضع، مطلوب مردان است. به تعبیر جامعه‌شناسان غربی، زن برای جامعه مردان است. به هر حال، رابطه زن و مرد در هر دو نگاه اخیر، رابطه قدرت است. به همین دلیل، حوزه‌های زنانگی در نگاه نخست یک معنا دارد و در حوزه‌های دوم معنای دیگر. اما در دیدگاه سوم که متعلق به اسلام است، رابطه زن و مرد، رابطه قدرت نیست. در قرآن کریم، رابطه زوجیت زن و مرد با تعبیر «مودت» به کار رفته است. فراتر از این رابطه نیز بین مردان و زنان محرم و نامحرم، یک نوع رابطه خاصی وجود دارد؛ یعنی زن در نگاه اسلامی عزت و ویژه‌ای دارد. اسلام میان زن و مرد از لحاظ تدبیر امور اجتماع با تصمیم‌گیری و کار، تساوی برقرار کرده است. همان طور که مرد می‌تواند خودش در سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و مستقلاً عمل کند و نتیجه

عمل خود را مالک شود، زن هم چنین حقی دارد (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۴۶).

بنا بر احادیث و روایات بسیار و متعدد، زنان در دستگاه خدا از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ یعنی بسیاری از مردها می‌توانند مشکلات دنیا و آخرتشان را از طریق زن‌ها حل کنند. این فهم از زن، رابطه قدرت نیست. اگر مردی با همسرش رابطه قدرت برقرار کند، عقب می‌افتد؛ بلکه مرد باید با همسرش رابطه‌ای برقرار کند که او رضایت داشته باشد. البته خودش نیز لذت می‌برد و چون زن رضایت دارد، مرد از قبَل این رضایت به بسیاری مواهب و نعمات دست پیدا می‌کند.

آموزه‌های اسلامی در مقوله زن و خانواده به قدری جذاب است که اگر به درستی منتشر شود، بسیاری را مجذوب خود خواهد کرد. بزرگ‌ترین مسئله و معضلی که غرب برای زنان ایجاد کرده، این است که آن‌ها را درگیر مسائل حاشیه‌ای و تفریحی جامعه کرده است. بنابراین، زنی که خودش را به امواج اجتماعی غربی بسپارد، از مسئولیت‌های اجتماعی خود غافل خواهد شد.

به طور کلی، اگر زنان فهم جدیدی از خودشان در همه عرصه‌ها پیدا کنند - فهمی از خودشان فی‌نفسه به عنوان زن و فهمی از خودشان در زمینه اجتماعی - بسیار بر جامعه مردان تأثیر خواهند گذارد. به همین دلیل، وقتی وارد صحنه می‌شوند، حرکت‌های جدی صورت می‌دهند.

در طول تاریخ، زنان زیادی بوده‌اند که اباذگونه در صحنه‌های اجتماعی حضور داشته‌اند، مانند سوده همدانی که برای شکایتی به دربار معاویه رفت. زمانی که با معاویه سخن گفت، معاویه او را شناخت و گفت: تو همان نیستی که در تشجیع برادارت در جنگی که علی بن ابی طالب، علیه اموی داشت، شعر می‌خواندی و آن‌ها را تحریک می‌کردی؟ (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۸).

آنچه باید درباره مشارکت زنان و حضورشان در نظر گرفته شود، این است که ملاک حضور و ارتقای اجتماعی، بهره‌مندی از اخلاق الهی، اندیشمند بودن و استقلال فکری است، نه بهره‌مندی صرف از مادیات و داشتن حسن ظاهر و وابستگی‌های نامعقول دنیوی. در اخلاق فردی نیز زنان باید ارزش‌های الهی همچون ایثار، فداکاری، محبت به هم‌نوع و حفظ حدود الهی همچون عفاف و پاکدامنی را در خود پرورش دهند؛ به گونه‌ای که این خصلت‌ها ملکه‌شان شود و در هر شرایطی آن‌ها را به کار گیرند. توجه به اصول بنیادین حضور اجتماعی زنان، یعنی توجه به کرامت ذاتی زن، تقدم ارزش‌های معنوی بر منافع مادی و لزوم توجه به روابط صحیح بین زن و مرد که در بینش و نگرش فرد جهت



حضور در اجتماع بسیار تأثیرگذار است (رک: فتاحی‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹-۱۷۵). زن باید نقش اول و مهم خود را تربیت فرزند بداند؛ زیرا تربیت فرزند توسط مادر، از تربیت پدر و استاد بهتر و بالاتر است. مادر نباید به بهانه اشتغال یا فعالیت‌های دیگر، وظیفه اصلی خود را فراموش کند. جدایی فرزند از دامن مادر، مفاسد بسیاری را در پی دارد.

ادای مسئولیت خانوادگی برای زنان و فراهم کردن محیط امن و آسوده برای شوهر و فرزندان، دقت و مراقبت در امر تربیت کودکان و تغذیه مناسب اعضای خانواده و رساندن ویتامین‌ها و نیازهای متناسب جسمی به آنان، کاری بس مهم، ارزشمند و اساسی است که همه کارهای دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در واقع، زنانی که بر اساس ضرورت، پا به عرصه اجتماع می‌گذارند، یقیناً دست به فداکاری و از خود گذشتگی می‌زنند؛ چرا که برای رسیدگی به دیگران و بخش‌هایی از جامعه، خانه و خانواده خود را از خورشیدی مهربان و موجودی مؤثر و کارساز، به مقدار زیاد محروم می‌کنند (داودی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۳).

خانواده دینی، کامل‌ترین مدل و الگوی یک خانواده اسلامی است؛ زیرا الگوی جاهلیت مدرن از تحکیم و ثبات برخوردار نیست و در مدل الگوی جاهلیت کهن، هر چند خانواده دارای تحکیم است؛ اما از مشکلات فراوانی، مثل عدم ظرفیت ارتقا و تکامل رنج می‌برد. تحقق خانواده در اسلام مبتنی بر عدالت فقهی و محبت اخلاقی است (ابراهیمی پور، ۱۳۹۵، ص ۳۱۶)؛ در چنین خانواده‌ای حقوق، شرایط و نیازهای همه افراد در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، تصدی امور اجرایی برای زن، نه تنها در کارهای کلان نمایندگی و وکالت محذوری ندارد؛ بلکه تصدی امور خاص به عنوان وصایت که نوعی از ولایت بر موصی به می‌باشد، اولویت دارد؛ زیرا برای وصایت هیچ‌گونه اشتراط ذکورت مطرح نیست. اگر سیستم اداره جامعه بر موازین ستر، عفاف و طهارت استوار باشد، هیچ‌گونه منع شرعی برای حضور زن در وکالت، وصایت، ولایت بر محجورین و ولایت بر امور وقف و مانند آن نخواهد بود و هرگز کار زن در مواردی محدود، مانند حق الحضانة خلاصه نمی‌شود. نمونه‌هایی از حق مزبور در جوامع روایی آمده است که مادر برای نگهداری فرزند خردسال، اولی و سزاوارتر است. لکن هرگز دلیلی بر حصر حق زن در حق الحضانة نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷).



## نتیجه‌گیری

تعالیم اسلامی در عین حال که تفاوت‌های جنسی بین زن و مرد را بیان می‌کند؛ ولی مانع حضور اجتماعی زن نمی‌شود و زن می‌تواند با همین تفاوت‌ها مشارکت اجتماعی داشته باشد. نه تنها زن، بلکه در مورد مرد هم این تفاوت‌ها نباید مانع حضور او در اجتماع باشد. تفاوت‌ها، نه تنها مانع مشارکت نیست؛ بلکه زن و مرد را از آسیب‌ها، به ویژه از بین رفتن ارزش‌های واقعی آنان باز می‌دارد. رعایت حریم‌های جنسیتی، بستر مناسبی برای مشارکت خواهد بود. حضور، به معنای ولننگاری زن و مرد نیست؛ بلکه هر دو با مراعات آداب شرعی، این بستر را فراهم می‌آورند. آداب شرعی عبارت است از: چشم‌پوشی از نامحرم، پرهیز از دست دادن، دوری از خلوت‌گزینی، پوشش مناسب زن، خودداری زن از استعمال بوی خوش و به ناز سخن گفتن و ...

به آیات و روایاتی که دلالت بر عدم جواز حضور زن هستند، پاسخ داده شد و این نتیجه به دست آمد که بانوان با در نظر گرفتن اصول بنیادین ارزشی، منعی در حضور اجتماعی ندارند؛ اما معنای حضور اجتماعی، فقط اشتغال نیست و زنان می‌توانند در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حضور داشته و تأثیرات چشمگیری داشته باشند.

در مواردی که ادغام هماهنگ نقش‌ها وجود دارد، کار و خانواده به طور مساوی برای زن اهمیت پیدا می‌کند و رضایت از شغل و خانواده در حد بالایی است و هیچ تعارضی در نقش‌ها وجود ندارد.

## فهرست منابع

\*قرآن کریم.

۱. ابراهیمی پور، قاسم (۱۳۹۵)، *راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی*، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم: اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰)، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۵. آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا (۱۳۷۷)، *کلمة الله العلیا*، چاپ اول، تهران: اسوه.
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. بحر العلوم، عزالدین (۱۴۰۷)، *الزواج فی القرآن و السنة*، چاپ سوم، بیروت: دارالزهر.
۸. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۹. پاسنو، دایان (۱۳۸۴)، *فمینیسم: راز و اشتباه*، در همایش سراسری زنان، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه زینب فرهمندزاده و پروین قائمی، چاپ سوم، قم: دفتر نشر معارف.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، *زن در آئینه جلال و جمال*، چاپ سوم، قم: اسراء.
۱۱. حسین زاده، علی (۱۳۹۰)، *همسران سازگار: راهکارهای سازگاری*، چاپ یازدهم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۲. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نورالثقلین*، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعة*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۵. دانشنامه فاطمی، زیر نظر علی اکبر رشاد (۱۳۹۳)، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۱۶. داودی، سعید (۱۳۸۲)، *زنان و سه پرسش اساسی*، قم: الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۷. دوست محمدی، هادی (۱۳۶۸)، *شخصیت زن از دیدگاه اسلام*، چاپ اول، بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
۱۹. زیبایی نژاد، محمدرضا و محمدتقی، سبحانی (۱۳۹۰)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، چاپ سیزدهم، قم: هاجر.
۲۰. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۳)، *نظام خانواده در اسلام*، چاپ اول، قم: سنابل.
۲۱. سید قطب (۱۴۲۵)، *فی ظلال القرآن*، چاپ سی و پنجم، بیروت: دار الشروق.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، چاپ اول، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی علیه السلام.
۲۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی.

۲۴. طاهری نیا، احمد (۱۳۸۹)، حضور زن در عرصه های اجتماعی-اقتصادی از نگاه آیات و روایات، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، زن در اسلام، مصحح و محقق: محمد مرادی، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
۲۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، زن در قرآن، قم: هاجر.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۲۹. \_\_\_\_\_ (بی تا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، چاپ اول، تهران: فراهانی.
۳۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۷۶)، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت.
۳۴. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، چاپ اول، بیروت: دار الملائک.
۳۵. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع الأحکام القرآن، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دار الکتب.
۳۸. کاشانی، فتح الله (۹۸۲ق)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالاسلامیه.
۴۰. کریمی، حمید (۱۳۸۵)، حقوق زن، چاپ دوم، تهران: کانون اندیشه جوان.
۴۱. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵)، التمهید فی علوم القرآن، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۴۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآنی (۱۳۸۷)، زن از زبان قرآن، قم: جمال.
۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، نظام حقوق زن در اسلام، قم: صدرا.
۴۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، مسئله حجاب، قم: صدرا.
۴۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۸. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۰. مهریزی، مهدی (۱۳۹۳)، قرآن و مسئله زن، قم: نشر علم.
۵۱. نریمانی زمان آبادی، سید مهدی (۱۳۹۴)، کاوشی نو در مسئله حضور اجتماعی زنان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵۲. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، چاپ اول، قم: هادی.

